

سه گام اساسی برای «بازسازی انقلابی عرصه فرهنگ»

سهم مردم در میدان فرهنگ

● دکتر علیرضا پیروزمند



فائز مقام فرهنگستان علوم اسلامی قم

از آنجا که فرهنگ یکی از ابعاد پیشرفت هر جامعه محسوب می‌شود، توجه به وضعیت فرهنگ، ساختار فرهنگی و نو به نو شدن عرصه فرهنگ متناسب با تحولات و نیازمندی‌ها از ضروریات هر جامعه به شمار می‌رود. به تبع، در انقلاب اسلامی هم به دلیل ماهیت و خاستگاه فرهنگی آن، به میزانی که پیام فرهنگی انقلاب دستخوش ضعف و رکود شود، طبیعتاً، حرکت عمومی جامعه نیز خدشه‌دار خواهد شد.

۱. معنای «بازسازی انقلابی فرهنگ» و تفاوت آن با «بازسازی ساختار فرهنگی»

وقتی سخن از «بازسازی عرصه فرهنگ» می‌شود هرچند بازمهندسی ساختارهای فرهنگی نقش مهم و تأثیرگذاری را در این میدان مهم بازی می‌کنند اما تنها عامل تأثیرگذار در عرصه فرهنگ، ساختار فرهنگی نیست. به این اعتبار، در معنای «بازسازی انقلابی فرهنگ» باید علاوه بر ساختار فرهنگی به محصولات و صنایع فرهنگی و مهمتر از این دو، به محتوای فرهنگی که باید ساختارها و محصولات در خدمت آن باشند، نیز توجه داشت. منظور از محتوای فرهنگی، ویژگی‌های فرهنگی است که یک جامعه آرمانی باید به خود بگیرد؛ همچون صداقت، امانت، ایثار، قانون‌گرایی، نظم، تلاش، مواسات، عبادت، معنویت، عقلانیت و... در واقع، این ویژگی‌ها، به نوعی هویت جامعه را به ویژه در عرصه فرهنگ ترسیم می‌کنند. بنابراین، باید توجه داشت که در بازسازی فرهنگ کشور، علاوه بر بازسازی ساختارها و قوت آنها، جریان بخشی به محتوای ناب اسلامی در زندگی مردم و ممانعت از رخداد آسیب‌های فرهنگی از سوی فرهنگ مهاجم، تأثیر بسزایی دارد و یکی از ابزارهایی که به این منظور باید به خدمت بگیرد، استفاده از محصولات فرهنگی متناسب با فرهنگ انقلاب اسلامی است. «محصولات فرهنگی» عرصه گسترده، فراگیر و تأثیرگذاری دارند؛ از کتاب، فیلم، سینما، تئاتر و هنرهای نمایشی گرفته تا مد، لباس، معماری، شهرسازی، اسباب‌بازی‌ها و... را در بر می‌گیرد. در این فضا، جامعه ایران نیز همانند سایر کشورها به ناچار از این محصولات استفاده کرده و به تبع، تحت تأثیر فرهنگ سازندگان این

محصولات قرار می‌گیرند. اگر تولید این محصولات بر اساس فکر اسلامی، انقلابی و ایرانی اتفاق بیفتد، طبیعی است که با زیست‌بوم فرهنگی ایران اسلامی سازگاری داشته و در غیر این صورت، باعث تخریب فرهنگی جامعه خواهد شد.

۲. ضرورت بازسازی انقلابی فرهنگ

الف: تسری نیافتن فرهنگ اسلامی و انقلابی به دیگر ساختارهای اجتماعی انقلاب اسلامی به تناسب تحولات فرهنگی که رقم زد، پاره‌ای ساختارهای فرهنگی را نیز بنیان نهاد، از آن جمله می‌توان به نهادهای فرهنگی همچون سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز ائمه جمعه، مرکز ائمه جماعات، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی و نهادهایی از این قبیل در کنار ساختارهای گذشته که تحت عنوان وزارت ارشاد اسلامی نام گرفتند به ایفای نقش و فعالیت پرداختند.

شکل‌گیری این نهادها، در تقویت و استمرار «تفکر انقلابی» در جامعه اسلامی نقش قابل توجهی داشت. اما اتفاقی که باید رخ می‌داد، این بود که فرهنگ اسلامی و انقلابی در مرحله اول باید به سایر ساختارهای فرهنگی کشور همچون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و فراتر از آن به آموزش و پرورش، آموزش عالی و همچنین رسانه ملی تسری می‌یافت. در گام بعدی، فرهنگ اسلامی و انقلابی باید بر سایر محرک‌های پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی نیز ورود می‌کرد. این مقیاس از تحول فرهنگی در کشور روی نداد و به تدریج فرهنگ مسلط بر ساختارهای اقتصادی، ساختار فرهنگ عمومی جامعه را نیز تحت تأثیر خود قرار داد که این امر به نوبه خود «بازسازی انقلابی فرهنگ» را بیش از پیش ضرورت بخشید.

ب. به حاشیه رفتن فرهنگ

فشارهای سیاسی و اقتصادی که به صورت روزافزون در کشور وجود دارد، متأسفانه باعث به حاشیه رفتن فرهنگ شده است و طی آن، هم مسئولان و هم مردم نسبت به اهمیت، تأثیرگذاری و سرمایه‌گذاری در عرصه فرهنگ کم‌توجه شده‌اند تا آنجا که حتی در خانواده‌ها، اولویت نخست به جای فرهنگ به تأمین معیشت فروکاسته شده است. هرچند بخشی از این امر قهری و طبیعی است ولی زیاده‌روی در این امر، باعث کم‌توجهی به فرهنگ شده و آثار مخرب درازمدتی را در جامعه برجا خواهد گذاشت.

ج. بخشی دیدن فرهنگ

از دیگر آسیب‌های عرصه فرهنگ کشور، «بخشی دیدن» فرهنگ است. به این معنا که تأثیرگذاری فرهنگ بر سیاست و اقتصاد و تأثیرپذیری آن از سیاست و اقتصاد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

د. مدیریت نکردن فرهنگ در میدان رقابتی

باور کنیم یا نکنیم فرهنگ کشور در یک میدان مواجهه تمام‌عیار و بین‌المللی توأمان هم در حال رشد و نمو و هم در حال آسیب دیدن است. جبهه معارض انقلاب اسلامی به خوبی متوجه شده که عمق راهبردی بقا انقلاب تکیه بر آرمان‌ها و هویت فرهنگی آن است. از این رو، با ابزارهای مختلف و متناسب با سنین و اقبال مختلف، تهاجم تمام‌عیار فرهنگی خود را سامان داده و روز به روز سعی کرده حلقه محاصره را تنگ‌تر کند. از این رو، ندیدن و یا سهل‌انگاری نسبت به تهاجم فرهنگی در سال‌های گذشته، ضرورت‌های بازسازی انقلابی را بیش از پیش برجسته کرده است.

ه. ضرورت مردمی‌تر شدن عرصه فرهنگ

یکی از نگرانی‌های عرصه فرهنگ، کم‌رنگ شدن حضور مردم در مسئولیت‌پذیری میدان فرهنگی است. این آسیب هم به واسطه نوع رفتار دولت‌ها و هم به واسطه کم‌توجهی مردم اتفاق افتاده است. به گونه‌ای که مردم احساس کرده‌اند، مسئول فرهنگ کشور و حتی تربیت اعضاء خانواده، دولت است و مردم به ویژه خانواده‌ها، مسئولیت ناچیزی در این عرصه دارند. کم‌رنگ شدن نقش‌آفرینی مردم عامل دیگری است که بازسازی ساختار فرهنگی را ایجاب می‌کند.

۳. گام‌های بازسازی انقلابی فرهنگ

نخستین گام: شناخت آسیب‌ها مواردی که در بندهای پیش بیان شد و مواردی از این دست، باید با دقت و جامعیت مورد توجه قرار گیرد و اولویت‌بندی شود، ارتباط و نسبت آنها با یکدیگر به خوبی تبیین شود تا بتواند راهبردهای متناسب با کاهش آسیب‌ها اتفاق افتد. افزون بر آسیب‌های پیش‌گفته یکی از آسیب‌های فرهنگی کشور، دوگانه‌هایی است که به شکل نابجا در عرصه فرهنگ اتفاق افتاده؛ دوگانه بین «فرهنگ دولتی» و «فرهنگ

*مردم مهمترین بهره‌بردار و در عین حال مهمترین مولد فرهنگ در کشور هستند. به میزانی که مدیریت کلان فرهنگی کشور بتواند با خواست واقعی برگرفته از فرهنگ اصیل اسلامی- ایرانی مردم پیوند بخورد و چشمه جوشان توان مردم را به جریان اندازد، می‌تواند بر بیشترین مانع‌ها فائق آید.



عمومی» (فرهنگ مورد مطالبه مردم)، دوگانه بین «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی»، دوگانه بین «عقلانیت» و «انقلابی‌گری».

چنین دوگانه‌هایی ناشی از دوگانه بین اسلامیت و ایرانیت، دوگانه بین قومیت و انقلابی‌گری و دوگانه بین تشیع و تسنن است. چنین دوگانه‌هایی به میزانی که رسوخ نماید، باعث تضعیف انسجام فرهنگی و تفرق در توان کشور برای پیشرفت و تعالی خواهد شد.

دومین گام، شکل‌گیری قرارگاه تحول فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان «قرارگاه تحول فرهنگی کشور» از چند دهه پیش، رسماً مشخص گردید اما با توجه به بافت نیروی انسانی، نوع تعامل با ساختار فرهنگی، نوع مشارکت‌دهی مردم در عرصه فرهنگ، و البته با توجه به کم‌مهری برخی دولت‌ها نسبت به جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی، این‌شورا نتوانست نقش بایسته خود را ایفا کند. امیدواریم با توجه به تغییرات در دست اقدام در شورای عالی انقلاب فرهنگی این مهم به سرانجام روشن‌تری نائل شود.

از جمله اتفاقاتی که در تحول شورای عالی انقلاب فرهنگی و شکل‌گیری قرارگاه فرهنگی کشور لازم است، تنظیم روابط بین دستگاه‌های فرهنگی دولتی و غیردولتی است.

گام سوم، مسئولیت‌پذیری و بسترسازی برای حضور مردم

مردم مهمترین بهره‌بردار و در عین حال مهمترین مولد فرهنگ در کشور هستند. به میزانی که مدیریت کلان فرهنگی کشور بتواند با خواست واقعی برگرفته از فرهنگ اصیل اسلامی- ایرانی مردم پیوند بخورد و چشمه جوشان توان مردم را به جریان اندازد، می‌تواند بر بیشترین مانع‌ها فائق آید.

بنابراین، مهمترین گام‌ها برای بازسازی انقلابی فرهنگ، اتخاذ تدبیر لازم برای حضور حداکثری مردم در عرصه فرهنگ است که البته شرط این حضور نهادینه شدن عقلانیت انقلابی در کشور است. «عقلانیت انقلابی» عقلانیتی است که آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را به درستی با یکدیگر پیوند می‌دهد و بهترین دفاع از آرمان‌ها را متناسب با ظرفیتی که انقلاب در اختیار کشور قرار داده، انجام می‌دهد و تحت تأثیر جریان تحریف که واقعیت را واژگون جلوه داده و توانمندی‌ها را ناچیز قلمداد می‌کند، قرار نمی‌گیرد.